

نکته‌هایی از مسافران کربلا در «کربلاء فی ادب الرحلات»

علی احمدی

چکیده

سید عبدالصاحب آل نصرالله در کتاب کربلاء فی ادب الرحلات، به ترتیب زمان، مشاهدات بزرگانی را که به زیارت کربلا رفته‌اند، شرح داده است. مؤلف پس از توصیف کربلا و تأکید بر قدمت این سرزمین تا پیش از میلاد مسیح، به نام‌های این سرزمین در بیانات امام حسین علیه السلام اشاره کرده است. مؤلف این اثر، نام ۵۸ تن از بزرگان، شاعران و نویسندگانی را که به قصد زیارت، تجارت یا مأموریت کاری به کربلا مشرف شده‌اند، ذکر کرده و ضمن معرفی آنان و ملیتشان، شرح مشاهدات آنان را از زبان خودشان بیان داشته است. ویژگی مهم این کتاب، ملیت‌های گوناگون صاحبان سفرنامه‌ها و انگیزه متفاوت آنان از سفر به کربلا و نیز ترتیب تاریخی سفرنامه‌هاست. این مقاله ضمن معرفی اجمالی نویسنده و اثر، بخش‌هایی از کتاب را در خود جای داده است.

واژگان کلیدی: سید عبدالصاحب آل نصرالله، کربلا، سفرنامه، کربلاء فی ادب الرحلات.

اشاره

اخیراً کتابی از سید عبدالصاحب آل نصرالله، به نام «کربلاء فی ادب الرحلات» منتشر شده است.^۱ سید عبدالصاحب از خاندان معروف آل نصرالله عراق است که ریشه‌ای قدیمی در شهر کربلا دارند و نسبشان به حسین اصغر، پسر امام زین العابدین علیه السلام می‌رسد. آل نصرالله با آل طعمه، نسبت خویشاوندی دارند. غیر از این اثر، دو کتاب دیگر نیز به نام‌های «بیوتات کربلاء القديمة» و «التضحیة و الرمز: دراسة نقدیة بالروایة التاریخیة عن ثورة الحسین علیه السلام» نیز در پرونده علمی این مولف قرار دارد.

«کربلاء فی ادب الرحلات»، فصل‌بندی و باب‌بندی خاصی ندارد؛ بلکه مولف به ترتیب زمان، شرح حال زیارت بزرگانی را که به کربلا مشرف شده‌اند، بیان می‌کند. بدیهی است افرادی که قبل از قرن چهارم هجری به کربلا رفته‌اند، سفرنامه‌ای ندارند و وی مطالب مربوط به آنها را از کتاب‌های دیگر نقل می‌کند.

مؤلف در ۱۶ صفحه، به توصیف کربلا می‌پردازد. یک از مهم‌ترین محورهای بحث او در مقدمه، اثبات این فرضیه است که کربلا ریشه‌ای بسیار کهن دارد و صدها سال قبل از واقعه کربلا نیز توصیف آن در منابع آمده است.

۱. کربلاء فی ادب الرحلات، با قطع وزیری در ۴۱۸ صفحه، در سال ۱۴۳۴ قمری، از سوی موسسه البلاغ در بیروت منتشر شد.

مؤلف در مقدمه بر قدمت کربلا تاکید می‌کند و بیان می‌کند که بر اساس گزارش‌های کاوش‌گران و تاریخ‌نویسان، سرزمین کربلا قبل از میلاد مسیح نیز ساکن داشته است. او از قوم اکدیین نام می‌برد که در صحرای کربلا سکونت داشته‌اند. او آب فراوان، کشاورزی بسیار خوب و نخلستان‌های بزرگ را، نشانه‌ای برای اثبات مطلب می‌داند. او از گفته مستشرق فرانسوی، لویس ماسینیون در کتاب خطط الکوفه یاد می‌کند که می‌نویسد: همانا کربلا در قدیم، معبد کلدانیین بود؛ شهری که آن را نینوی می‌خواندند.

مؤلف همچنین نام‌های گوناگون سرزمین کربلا را که مورد اشاره امام حسین علیه السلام قرار گرفته است، دلیل دیگری بر قدمت کربلا می‌داند.

وی سپس به تاریخ بنای عتبه حسینی علیه السلام می‌پردازد. به اعتقاد وی در سال ۶۳ یا ۶۵ قمری اولین بنا بر روی قبر امام حسین علیه السلام ایجاد شد و در سال ۱۳۲ قمری توسط عباسیان و در سال ۱۹۹ قمری توسط مامون، تجدید بنا شد.

یکی از ویژگی‌های مهم این کتاب، آن است که مؤلف تقریباً سفرنامه افرادی از ملیت‌های معروف را شناسایی کرده و در این اثر از آنان یاد و سفرنامه آنان به کربلا را شرح و توضیح داده است.

مؤلف اثر، به ترتیب سال زیارت، اسامی ۵۸ نفر از بزرگان، شاعران و نویسندگانی را که به کربلا رفته و آن مکان مقدس را زیارت کرده‌اند، ذکر کرده و شرحی کوتاه از سفر آنان و توصیف ایشان را بیان کرده است.

ابوحمزہ ثمالی، منصور نمری، محمد بن حسین بن علی شیبانی معروف به اشنانی، جهانگرد بزرگ ابن حوقل نصیبی، نظام الدین ابو یعلی محمد بن محمد شاعر عصر عباسی، عبدالله بن عباس معروف به "ابن هباریه"، ابن بطوطه، حمدالله مستوفی، نسابه ابن زهره حسینی، محمد بن احمد بن ایاس مورخ و جهانگرد مصری، مطراقی زاده مورخ و جهانگرد، قاضی نورالله شوشتری، محیطی نویسنده گلشن شعرا، بیدرو تکسیرا جهانگرد پرتغالی، پیترو دیلا فاله سیاح ایتالیایی، نظمی بغدادی، پدر مؤلف گلشن خلفا مرتضی نظمی زاده، تافرنیه سیاح فرانسوی، سید ضامن بن شادقم نسابه معروف، عباس بن علی بن نورالدین حیدر مکی موسوی حسینی، عالم ادیب و شاعر و جهانگرد، شیخ مصطفی صدیقی خلوتی دمشقی از بزرگان صوفیه، کارستون نیبور سیاح آلمانی، جهانگرد تایلر، ابوطالب بن حاجی محمد بک خان اصفهانی معروف به ابوطالب



قافلة الجنائز في طريقها إلى كربلاء منقولة من رحلة المستر جون أشر

خان سیاح هندی، سید محمد بن احمد حسینی منشی بغدادی، شیخ امین بن حسن حلوانی مدنی، مدرس حرم نبوی شریف، یمین الدوله علی خان، یکی از حاکمان سرزمین اوده هند، سیاح جمس بکنگهام، جیمز بیلی فریزر جهانگرد انگلیسی، ایلیا نیکولا بیرزین سیاح روسی، ثیودور نولدکه دانشمند آلمانی، ویلیام کینیت لوفتس باستان‌شناس انگلیسی، عبدالعلی خان پسر حاج علی خان حاجب الدوله (ادیب الملک)، میرزا سیف الدوله نوه فتح علی شاه قاجار، جون اشرف جهانگرد انگلیسی و عضو جمعیت جغرافی لندن، تنکو مارتینوس لیکلاما آینهولت سیاح هلندی، روبرت کلایف دانشمند نقشه کش انگلیسی، ناصرالدین شاه قاجار، محمدرشید بن سید داود سعدی از عالمان عراق، مدام دیولافوا همسر مارسل دیولافوا، جون بیترز رییس گروه باستان شناسان آمریکا که برای بررسی آثار باستانی شهر نفر به عراق مهاجرت کرده بود، اس. اس. بتلر و دوستش ل. ایلمبر از کارمندان سازمان جاسوسی انگلستان، اوسکار رویتر مهندس آلمانی، المس غیرت رود بیل شرق شناس و جهانگرد معروف انگلیسی، محمدهارون حسینی زنکی بوری از منطقه بومبای هندوستان، عمانوئیل فتح الله عمانوئیل مضبوط ادیب و سیاح و تاجر مسیحی ساکن بغداد، سیاح چکسلواکی الوا موسیل، علامه شیخ محمد رضا شبیبی از عالمان بزرگ عراق، سیاح انگلیسی و عضو المکتب العربی برای انجام کارهای اطلاعاتی ورنالد ستورز، جهانگرد و دانشمند انگلیسی سانت جون فیلی، لیدی درور نویسنده انگلیسی، دوایت دونالدسون نویسنده انگلیسی، سید عبدالرزاق حسنی، محمد ثابت سیاح مصری، سید محسن امین عاملی، دکتر عبدالوهاب عزام متفکر مصری، مالیارد روزنامه نگار هلندی، جاک بیرک شرق شناس فرانسوی از افرادی بوده‌اند که این مکان مقدس را زیارت کردند.

گزیده سفرنامه‌ها

۱. ابوحمزه ثمالی

ثابت بن دینار معروف به ابوحمزه ثمالی، از محدثان و عالمان بزرگ شیعه است که جزء یاران و اصحاب سه امام معصوم شیعه، امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام بود. وی شیخ و بزرگ کوفه و مفسر قرآن کریم بود و کتابی در تفسیر قرآن نگاشت. وی از کسانی بود که برای زیارت امام حسین علیه‌السلام به کربلا رفت. گزارش این سفر در کتاب کامل الزیارات آمده است. با توجه به فوت ابوحمزه در سال ۱۲۸ق. این سفر در دو دهه اول قرن دوم هجری اتفاق افتاده است. ابوحمزه ثمالی می‌گوید:

خرجت فی آخر الزمان بنی امیه الی قبر الحسین علیه‌السلام مستخفیا من اهل الشام حتی انتهیت الی کربلاء، فاختفیت فی ناحیه (القریة) حتی اذا ذهب اللیل نصفه، أقبلت نحو القبر و کان ذلک فی لیلۃ عرفه و شاهدت خلقا کثیرا یصلون عند القبر و کنت ارید ان آتی القبر و ادعو بدعوات فما کنت اصل الیه من کثرة الخلق؛ در آخر دوران بنی امیه به سوی قبر امام حسین علیه‌السلام رفتم؛ در حالی که از اهل شام می‌ترسیدم؛ پس وقتی که به کربلا رسیدم، در ناحیه قریه، مخفی شدم؛ تا این که نصف شب فرا رسید. در آن هنگام - شب عرفه - متوجه قبر شریف شدم و جمعیت زیادی را مشاهده کردم که کنار قبر نماز می‌خوانند. سپس خواستم خود را به قبر برسانم؛ اما به دلیل کثرت جمعیت و شلوغی پیرامون آن، نتوانستم.

این روایت، نشان دهنده اقبال شدید مردم در آن دوران خفقان، برای زیارت مرقد مطهر امام حسین علیه‌السلام است.

۲. منصور نمری

ابوالقاسم منصور ابن الزبرقان بن سلمه نمری، معروف به منصور نمری از اهالی شهر العین شام و متوفای ۱۹۰ قمری است. وی از دیارش به بغداد کوچید و به برامکه نزدیک شد و به واسطه آنان با دربار عباسیان آشنا گشت. وی هنگامی به زیارت مشرف شد که کربلا روستایی بیش نبوده است و تنها چند خانه در اطراف حرم مقدس امام حسین علیه‌السلام بنا شده بود. او در زمان حکومت هارون الرشید توفیق زیارت یافت و هنگامی که رو به روی قبر امام علیه‌السلام

قرار گرفت، این گونه سرود:
 فما وجدت علی الاکتاف
 منهم و لا الاقفاء آثار النصول
 ولكن الوجوه بها كلوم
 و فوق حجورهم مجرى السيول
 أريق دم الحسين و لم يراعوا
 و فى الأحياء أموات العقول
 فدت نفسى جبينك م نجيبين
 جرى دمه على خد أسيل

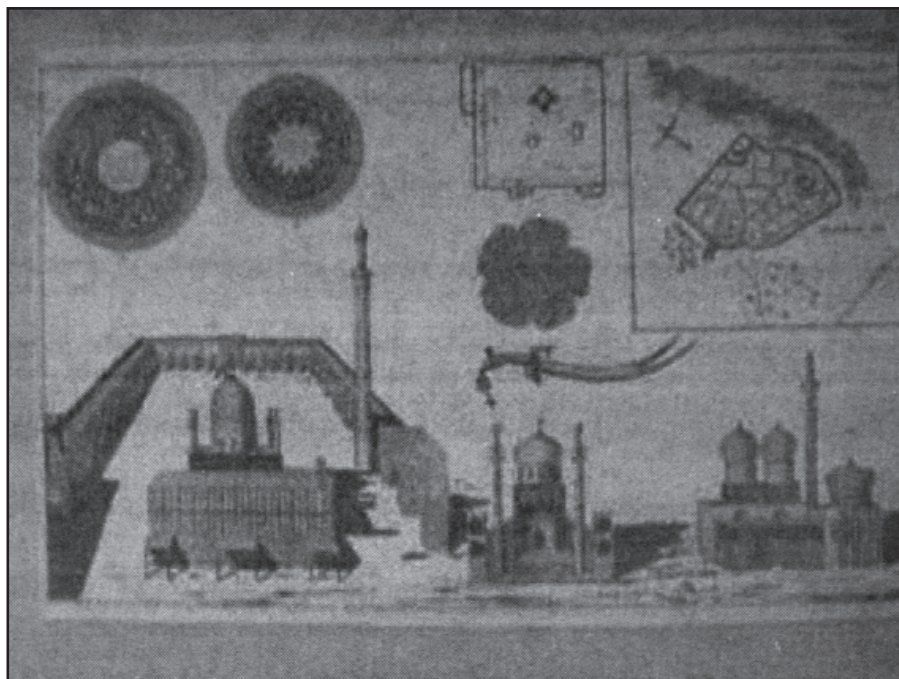
....

برئنا يا رسول الله ممّن
 أصابك بالأذىة و الذحول

۳. آشنائی

محمد بن حسین بن علی شیبانی، معروف به آشنائی، (۲۲۱ - ۳۱۷ق.) از عالمان کوفه و از محبان اهل بیت علیهم السلام بود و مدتی در زندان متوکل عباسی، روزگار گذراند. وی در سال ۲۴۷ق. در زمانی قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کرد که متوکل عباسی حرم مطهر را منهدم کرده بود و کسی حق نداشت آن امام همام را زیارت کند! گزارش کامل این زیارت، در مقاتل الطالبیین ابوالفرج اصفهانی (ص ۴۷۹) این گونه آمده است:

«روزگاری می گذشت که من از زیارت قبر سید الشهداء محروم مانده بودم. از ترس عمال متوکل جرات نمی کردم پا به محیط کربلا بگذارم؛ اما شوق این زیارت وادارم کرد که دل به دریا بزنم و خود را به خطر بیندازم. مرد عطاری که با من دوست بود، تشویقم کرد و من و او با هم شبانه، رو به کربلا نهادیم. ما روزها پنهان می شدیم و شبها راه می رفتیم؛ تا بالاخره به غاضریه رسیدیم. نیمه شب از میان دو پاسگاه که بر سر راه قرار داشت، ترسان و لرزان گذشتیم. پاسبان آن پاسگاه در آن وقت شب خوابیده بود و بالاخره به حریم قبر رسیدیم. من



اللوحة الذي رسمه كارستن نيپور بعد مشاهدته للروضة الحسينية

و آن مرد عطار برای این که قبر را بیابیم، مشت مشت خاک را بو می کشیدیم و بدین ترتیب، جهت قبر را می شناختیم. سرانجام به قبر مطهر ابو عبد الله الحسين عليه السلام راه یافتیم. صندوق قبر را برداشته و سوزانیده بودند و به محل قبر، آب انداخته بودند. محل قبر چنان فرو رفته بود که به صورت خندقی در آمده بود! این فرورفتگی خندق مانند، جای خشت های بنای قبر بود که در آن جا به کار رفته بودند. وقتی بنای قبر را ویران کردند و به آن جا آب بستند، محل خشت، فرو ریخته و صورت خندق به خود گرفته بود. من و دوست عطارم خم شده بودیم و آن خاک های مرطوب را بو می کردیم. ما از آن خاک ها، عطری استشمام می کردیم که هرگز در عمرمان چنین عطر نبویده بودیم. به دوست عطارم گفتم: این بو از کدام عطر است؟ او که عطار بود و کارش عطر فروشی بود، در جوابم گفت: به خدا قسم! من نظیر این عطر را تا کنون استشمام نکرده ام. آن جا قبر حسین بن علی عليه السلام بود. پس از زیارت در آن جا علامت هایی نصب کردیم و بعد وداعش گفتیم و همچنان ترسان و لرزان به خانه خود

باز گشتیم. دیری نگذشت که جعفر متوکل به قتل رسید و ما با گروهی از آل ابو طالب و شیعیان به محل قبر، همان جا که علامت گذاشته بودیم، عزیمت کردیم و به هدایت همان علامات از نو مزار سیدالشهداء علیه السلام را بنیان نهادیم».

۴. ابن حوقل

ابن حوقل نصیبی، مؤلف کتاب «صورة الارض یا المسالك و الممالک و المفاوز و الممالک است که آن را در سال ۳۶۷ ق. نگاشته است، از این رو، سفر وی به کربلا قبل از تاریخ یاد شده است. وی در توصیف کربلا می نویسد:

«و کربلا من غربی الفرات فیما یحاذی قصر ابن هبیره و بها قبر الحسین بن علی رضی الله عنه و له مشهد عظیم و خطب فی اوقات من السنه زیارته و قصده جسیم؛ کربلا در جانب غربی فرات، محاذی قصر ابن هبیره قرار دارد. در آن قبر، حسین بن علی رضی الله عنه واقع است که برای آن جناب، مشهد و حرم بزرگی است. در طول سال، ایام خاصی متعلق به زیارت است و قصد زیارت او به سختی و مشکلاتی همراه است».

۵. ابن بطوطه

ابن بطوطه در سال ۷۲۶ ق. به کربلا رفته و آن را این گونه توصیف کرده است: «کربلا، شهر کوچکی است که نخلستانها اطراف آن را گرفته اند و از رودخانه فرات، آبیاری می شود. روضه مقدس امام حسین علیه السلام در داخل شهر واقع شده است و مدرسه ای بزرگ و زاویه ای دارد که در آن به مسافران طعام می دهند. خدام و حاجیان بر در روضه امام ایستاده اند و ورود به حرم، بی اجازه آنان میسر نیست و هنگام ورود، عتبه شریفه را که از نقره است، باید بوسید. روی ضریح مقدس امام، قندیل های زرین و سیمین گذاشته شده و از درهای آن پرده های حریر آویخته اند».

او سپس به نزاع و اختلاف اهالی کربلا با همدیگر اشاره کرده، این گونه می نویسد: «مردمان این شهر، دو طایفه اند؛ فرزندان زحیک و فرزندان فائز و میان این دو طایفه پیوسته جنگ و درگیری است؛ هر چند هر دو طایفه از امامیه اند و تبارشان به یک پدر می رسد».



شارع فی کربلاء

۶. بیدرو تکسیرا

این سیاح معروف پرتغالی در سال ۱۶۰۴م / ۱۰۱۳ق. از کربلا دیدن نمود. او از کربلا به عنوان مشهد حسین نام برده و چنین تعریف کرده است:

«شهر کربلا از چهار هزار خانواده تشکیل یافته که اکثر خانه‌های آنها محقر است و ساکنین آن شهر از عرب و ایرانی‌ها و ترک متشکل گردیده است.»

وی از اهتمام مسلمانان به زیارت امام حسین علیه السلام یاد می‌کند و از کسانی یاد می‌کند که در حرم مطهر، سقایی می‌کرده اند؛

«مسلمانان برای زیارت روضه حسینیّه از همه اطراف وارد می‌شدند. و در «روضه سقاه» که عده ای برای رضای خدا و کسب ثواب به مردم آب می‌دادند یا برای زنده نگه داشتن یاد امام شهیدی که در همین بقعه، تشنه به شهادت رسید. آنان [سقاه] با مشک‌های چرمی پر از آب، دور می‌زدند؛ در حالی که در دستشان طاس‌های نقره ای زیبایی بود که با آنان به دیگران آب می‌آشامیدند».

۷. عباس مکی

در تاریخ ۱۱۳۱ق. عالم شاعر و ادیب بزرگ، عباس بن علی بن نورالدین حیدر مکی موسوی حسینی، حائر حسینی را زیارت کرد و از حرم مطهر گزارش‌هایی برای ما به یادگار گذارده است. او در توصیف حرم مطهر می‌نویسد:

«در حرم سرورم، حسین علیه السلام چراغدان‌هایی خیره‌کننده از ورق مرصع و گونه‌هایی از جواهرهای گرانبه‌است که با خراج یک شهر برابری کند. اغلب اینها هدیه‌های شاهان و فرمانروایان ایران است. بر فراز قسمت بالای سر مبارک، چراغدانی از طلای سرخ به وزن دو من یا بیشتر آویخته است. بر بنای حرم، گنبدی است بلند، با بنایی شگفت که خبره‌های چیره‌دست و آگاه، آن را ساخته است و سر بر آسمان می‌ساید.

۸. کارستون نیبور

این جهانگرد آلمانی، در سال ۱۷۲۷م/۱۱۳۹ق. کربلا را زیارت کرد و گزارش جامعی از این شهر و مکان‌های زیارتی آن داده است. وی از مکان‌هایی یاد می‌کند که اکنون، اثری از آنها نیست؛ به عنوان نمونه از به مکانی اشاره می‌کند که زائران امام حسین علیه السلام مقیدند آن‌جا را زیارت کنند و آن‌جا، محل افتادن امام حسین علیه السلام از اسب به زمین است. همچنین از حوض آب بسیار بزرگی یاد می‌کند که یادآور جایی است که حضرت عباس علیه السلام نتوانست آب را به خیمه‌ها برساند.

۹. ابوطالب خان

او اصالتاً ترک و موطنش هند بود و در کتابی به نام مسیر طالبی، شرح سفر خود به عتبات عالیات را نگاشته است. سفر وی در کربلا در سال ۱۲۱۷ق. یک سال قبل از حمله وحشیانه

وهاییان به این شهر مقدس بوده است. وی گزارشی از خرابی‌های کربلا بعد از حمله وحشیانه آنان ارائه می‌کند. از این رو، به علت نزدیکی زمان وی به زمان واقعه حمله وهاییان به کربلا در سال ۱۲۱۶ق. گزارش وی از این رویداد مهم جلوه می‌کند. وی می‌نویسد:

«در ۱۸ ذی الحجه، روز عید غدیر خم، از آن جایی که بیشتر ساکنان کربلا برای زیارت نجف اشرف شهر را ترک کرده بودند، ۲۵ هزار نفر از وهاییان به این شهر یورش بردند! این حمله با هماهنگی عمر آغا، سنی متعصب و حاکم کربلا صورت گرفته است. وهاییان هنگامی که وارد کربلا شدند، فریاد کشیدند: بکشید مشرکان را! آنان ابتدا قصد داشتند طلاهای حرم را به غارت ببرند؛ اما از آن جایی که محکم به دیوارهای صحن چسبیده بود، نتوانستند؛ لذا قسمتی از ضریح را خراب کردند. آنان غروب همان روز، کربلا را به طرف حجاز ترک کردند. در این حادثه، بیش از پنج هزار نفر به شهادت رسیدند و تعداد مجروحان قابل شمارش نبود!

۱۰. ادیب الملک

عبدالعلی خان ادیب الملک، یکی دیگر از کسانی است که در سال ۱۲۴۳ق. در زمان آغا محمد خان قاجار کربلا را زیارت کرده و شرح حال سفر خود را نگاشته است. ادیب الملک، بیشتر فضاهای حرم مطهر را توصیف کرده و در شمارش بزرگانی که در رواق مطهر آرمیده‌اند، اهتمام ویژه‌ای داشته است. وی می‌نویسد:

«هنگامی که از باب قبله وارد صحن مطهر امام حسین علیه السلام می‌شوی، در مراقد مشاهیر، این افراد آرمیده‌اند: محمدعلی میرزا بن خاقان فتحلی شاه قاجار، حاج کاظم رشتی، سید علی طباطبایی صاحب الرياض، آقا محمدباقر بهبهانی، امین الدوله هندی، میرزا تقی خان امیر کبیر، حاج میرزا آقاسی، جهانگیر خان بن نایب السلطنه، ظل السلطان، حاج ملا صالح قزوینی، میرزا مهدی شهرستانی، حاج مهدی کلیددار. از باب قاضی الحاجات اگر وارد روضه شوی، قبور سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط، سید مهدی و سید محمد و شیخ محمد حسین صاحب الفصول دیده می‌شود. در ورودی صحن صغیر، شیخ الاسلام قزوینی، سید مهدی والد میرزا صادق داماد سید محمد و سید حسین والد حاجب الدوله، آرمیده‌اند.»

۱۱. ناصرالدین شاه قاجار

ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۷ق. به عتبات عالیات سفر کرد و آل نصرالله، ۳۳ صفحه از کتاب خود را به شرح سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات عالیات اختصاص داده است و عکس‌هایی از همان سفرنامه که توسط عکاس باشی گرفته شده، آورده است.

۱۲. عبدالوهاب محمد حسن عزام

این نویسنده و شاعر مصری (متوفای ۱۹۵۸م). در کتاب «رحلات عبدالوهاب عزام» که در سال ۱۳۴۸ه.ق. / ۱۹۲۹م. در قاهره منتشر شد، از سفر خود به کربلا این گونه یاد کرده است:

«به مسجد در آمدیم. آن جا مهمه کسانی که قرآن وداع می خواندند، بلند بود. سپس ضریح مبارک را زیارت کردیم. عظمت آن جایگاه، ما را از این بازداشت که دیده در مرتع جمال و زیبایی و شکوه و زینت و زیور خیره کننده آن رها کنیم. در کنار مسجد [ی که ضریح امام علیه السلام را در بر گرفته] مسجدی دیگر است که ضریح عباس بن علی علیه السلام در آن جای گرفته و در مسجد حسین علیه السلام [مقصود همان حرم امام است] سردابی است که حدود ده پله پایین می رود و در پایین آن، جایی است که با تورهای آهنی، محصور شده و آن را قتلگاه نامند و گویند خون حسین علیه السلام به هنگام شهادت، در این نقطه بر زمین ریخته است. در روایتی دیگر آمده که این جا زادگاه عیسی بن مریم علیه السلام است. در گوشه‌ای از حرم، حجره‌ای است که سه تن از شاهان قاجار، احمد شاه، پدرش محمدعلی شاه و جدش مظفرالدین شاه در آن به خاک سپرده شده‌اند. قبرهای این سه از زمین برجسته نیست و تنها با موزاییک فرش شده و در نزدیک آنها تصویری از این سه پادشاه بر دیوار آویخته است. دوست داشتم فرصت فراهم باشد و زمانی درازتر در این حرم پر عظمت بمانیم؛ تا به درازا از آن سخن گویم؛ اما زیارت ما زیارتی شتابان بود که در آن به همان اندازه که واجب است، بسنده داشته شد.

آخرین سفرنامه‌ای که در این کتاب معرفی شده است، سفرنامه جاک بیرک، مستشرق فرانسوی است که در سال ۱۹۷۸م. / ۱۳۹۸ق. به کربلا مسافرت و حرم مطهر را زیارت کرده است.